

بدمی فی سبیل آلہ ربّک و ربّ العالمین آخر چرا تفکر نمی‌نمائید ایام گذشت
 و عمر بانتهای رسید حال خود انصاف ده در آخر ایام انسان در فراش
 بزحمت امراض و شدت اوجاع جان بدهد بهتر است یا آنکه آن
 چند یومی که از عمر باقی مانده در سبیل الهی فدا نماید قسم بجمال قدم
 الاول خسران والاخر روح و ریحان زهی حسرت و ندامت که
 نفس انسانی چند نفسی که از جان عاریتی باقی مانده در ره دوست
 فدا ننماید و در فراش غفلت بعد از آشامیدن دواهای مکروهه منتنه

ص ۱۳۳

رویه تسلیم نماید فاصدقنی آی الامرین احق قل الکلمة الاولى و ربی الاعلی
 و مالک العرش والثری مقصود آنکه احبای حق نباید مضطرب و خائف
 باشند بلکه باید شهادت را در سبیل دوست فوز عظیم شمرند اگر واقع
 شود نه آنکه خود را در مهالك اندازند چه که در این ظهور گل بحکمت
 مأمورند بشنو ندای مظلوم را که در منتهای شدت و بلا و هموم و غموم
 ترا بحق میخواند از عالمو عالمیان منقطع شود و در ظل رحمتش مأوی گیر ثم
 اعلم بان حضر تلقاء الوجه احد و ادعی بانه رأک و قال انک قلت
 با تالانرسل الیک لوحاً من بعد اذاً بکت عینب شفقتی لنفسک فوالذی
 انطقنی بثناء نفسه بین الأرض والسماء لوجدت عرف القمیص و
 قرائت لوحاً من الواح ربّک الّتی ارسلناها الیک لفدیت بنفسک
 و ما عندک لکلمة منها و رضیت بان تُقتل فیکلّ حین الف مرّة ولا

ص ۱۳۴

ینقطع عنک عرف قمیص القدم و نسمة آلہ الّتی تمر من شطر اسمه الاعظم
 لم ادر بآی شیئی منعت عن هذا الفضل الاکرم و ترکب بین الظنون والواهام
 تدارک یا اخی مافات عنک و اقبل الی قبلة العالمین و قل اقبلت
 بکلی الیک یا فاطر السموات والارضین فاعف عنی ما غفلت
 فی حنبک انک انت مولی العالمین ایاک ان تمنعک الحمیته عن
 مالک البریه دع الهوی و تمسک برّبک الّبهی هذا خیر لک و کان آلہ

علی ما اقول شهیدا و دیگر اهل قریه (۱) هرکه را مقبل الی الله دیدی من قبل الله ذاکر شو و بگو محزون مباشید از آنچه بر شما وارد شده چه که بر جمال قدم اعظم از آن واردو حال در سجن اعظم ساکن و بشأنی امر شدید است که باب خروج و دخول را مسدود نموده اند و لکن در کمال روح و ریحان بذکر حمن مشغولیم محزون مباشید از آنچه بتاراج

(۱) مقصود تا کر است

ص ۱۳۵

رفت زود است که جمیع من علی الارض بذکر شما ذاکر شوند اجر هیچ نفسی ضایع نشده و نخواهد شد آنچه از زخارف دنیویّه در سبیلش از شما اخذ شد البته در دنیا عطا خواهد فرمود و در عقبی مقاماتیکه اگر یکی از آنها بر اهل ارض ظاهر و هویدا شود انفس خود را در سبیل دوست فدا نمایند رجای آنکه بآن مقر اقصی فائز گردند بشنوید وصیت جمال قدم را که از شطر سجن اعظم شما را ندا میفرماید بغی وطنی را بگذارید و بتقوی متمسک شوید نفوس خود را از اعمال شیطانیه مقدس نمائید و بطراز آلهیه مزین دارید فساد و نزاع شأن اهل حق نبوده و نخواهد بود از اعمال شنیعه اجتناب نمائید و در مسالك تقدیس و تسلیم و رضا سالك شوید جهد نمائید تا صفات و اخلاق آلهیه از شما ظاهر شود و بکمال استغنا و سکون مابین بریه مشی نمائید و با کمال عدل و

ص ۱۳۶

انصاف با یکدیگر معامله کنید خیانت را بامانت و غیبت را بتزکیه نفس و ظلم را بعدل و غفلت را بذکر تبدیل نمائید اینست نصح رحمانی که از فم بیان مشیت ربّانی ظاهر شده سعی نمائید که بلکه باعانت آلهیه آنچه در ملکوت تقدیر مقدر شده باعمال شنیعه تغییر نیابد و تبدیل نشود در گل احیان از مقصود عالمیان آمل و سائل باشید که شما را از

فضل و عنایت خود محروم نفرماید و در ظل شجره اثبات و سدره اسماء
و صفات منزل دهد والسلام علیکم من لدی الهمولیکم القدیم والحمد لله
العلی العظیم

شماره A/9 آعلی

آعلی پسر ملا زین العابدین (پسر عموی مبارک) او نیز از مؤمنین بجمال ابهی
بوده ولی از شرح حالش اطلاعی در دست نیست .

ص ۱۳۷

شماره ۱۰ خانم جان

خانم جان دختر هاجر و میرزا حیدرقلی (دختر عمه مبارک) که حرم آمیرزا
محمد قلی شماره ۲۷ بوده بسیار مؤمنه و بمعیت شوهر خود از طهران
در رکاب مبارک ببغداد و ارض مقصود رفته است - خطش بد نبوده و
خوب چیز مینوشته است احفاد و اولادان و نواده های او در حیفا
ساکن از آنجمله محمد بهائی که از نواده های اوست مؤمن و شوفر حضرت
ولی امرآله بوده است .

شماره ۱۱ مریم

مریم دختر ملك نساء خانم و میرزا کریم نمدساب (دختر عمه مبارک)
که حرم آمیرزا رضاقلی بوده این خانم محترمه از مؤمنین بجمال ابهی و دارای
الواح مخصوصاً لوح مریم (هوالمحزون فی حزنی ای مریم مظلومیت مظلومیت

ص ۱۳۸

اسم او لم را از لوح امکان محو نمود) و لوح دیگر (هو مریم عیسی جان
بلا مکان عروج نمود) و کلمات عالیات نیز در مصیبت برادرشان

(میرزا محمد وزیر شماره ۱۳) باعزازش نازل گشته است - ایشان دارای قریچه شعری هم بوده اند و در الواح نازله ملقبه بورقةالحمراء میباشد - موقعیکه جمال قدم از سیاه چال مرخص و قصد عزیمت ببغداد را داشته اند چون مریض سخت بودند در منزل مریم مدتی قریب به یکماه بستری و مریم در اینمدت زحمات زیادی را متحمل گشته تا اینکه جمال مقصود بهبودی حاصل فرمودند زیارت نامه (هذہ زیارت الّتی سمیت بمریم) مختص باوست - خانه پدری مریم در قریه فیول (جنوب شرقی تاکر) و قبرش در حضرت عبدالعظیم مقبره ناصرالدین شاه است - اولاد ایشان فقط زهرا ملقبه شمره شماره ۳۵ بوده

ص ۱۳۹

شماره ۱۲ فاطمه خانم

فاطمه خانم دختر ملك نساء خانم و میرزا کریم نمدساب (دختر عمه مبارك) حرم دوم جمال مبارك و ملقبه بمهد علیا بوده که مادر ناقضین میثاق است مشارالیها خواهر مریم و میرزا محمد وزیر شماره ۱۳ بوده و خانه پدری در قریه فیول میباشد .

شماره ۱۳ میرزا محمد وزیر (۱)

میرزا محمد وزیر پسر ملك نساء خانم و میرزا کریم نمدساب (پسر عمه مبارك) و برادر مریمو فاطمه خانم بوده - حرم ایشان حوا همشیره زاده امی مبارك و اولادانش (هاجر - خیرالنساء) خانم بی بی) - میرزا مهدی - میرزامحمد

(۱) میرزامحمد که بعداً بمیرزا علی آقا معروف گشته (پسر میرزامحمد و زیرو حوا) که از مؤمنین امر بوده در یادداشت های خود چنین نوشته است که میرزا محمد وزی اول من آمن بجمال مبارك بوده و لوح محمدیه مختص باوست)

معروف بمیرزا علی آقا تاکری - سلطان خانم - آسیه خانم - حمیده خانم
 سکینه خانم) - کلمات عالیات در صعود ایشان باعزاز مریم
 و حوا نازل گشته - قبرش در بیلاق نور در ایوان امامزاده قریه فیول
 واقع و سنگ قبر نیز دارد -

شماره ۱۴ حوا خانم

حوا خانم دختر میرزا محمد و طللان خانم (همشیره زاده امی مبارک)
 حرم میرزا محمد وزیر بوده است - پدرش میرزا محمد و شوهرش نیز میرزا محمد
 کلمات عالیات چنانچه قبلاً اشاره گشت پس از صعود میرزا محمد وزیر
 باعزاز ایشان و مریم توأمناً نازل گردیده است - خیلی مورد عنایت
 جمال مبارک بوده و بایشان شاه باجی خطاب میفرمودند - قبرش
 در جوار مادر (طللان خانم) و پدر (میرزا محمد) در حجره شمال غربی

تکیه تاکر واقع است - از این خانم ۸ اولاد بوجود آمد که ضمن شماره ۱۳
 ذکر گردید - میرزا محمد معروف بمیرزا علی آقا تاکری که از مؤمنین و
 قُدماء احباب بوده اولاد ایشان میباشد و در سنه ۱۳۳۵ قمری حضور
 مبارک حضرت مولی الوری مشرف گشته و در طهران نیز با قدمای احباب
 حشر و نشر داشته است .

شماره ۱۵ فاطمه خانم

فاطمه خانم دختر (میرزا محمد عموی مبارک) و (طللان خانم همشیره
 امی مبارک) که او را حاجیه خانم نیز میگفتند مشارالیها عیال
 میرزا یحیی ازل بوده است - این زن و شوهر اولادی داشته
 بنام میرزا محمد هادی ملقب به (اَبَقَه) که در تاکر سکونت داشت

فاطمه خانم اولین عیال میرزا یحیی بوده که پس از شهادت حضرت

ص ۱۴۲

ربّ اعلی از طهران بتاگر رفته و بحباله نکاح خود درآورده است
قبر فاطمه خانم و میرزا محمد هادی در ایوان دور سر قبر آقامیباشد
و سنگ قبر نیز داشته ولی این اواخر سنگ قبر را برداشته اند
میرزا محمد هادی را حضرات ازلیها آقا و مادر او را مادر آقا خطاب
مینمایند - و ازسی و پنج نفریکه میرزا ابوطالب مغلولاً و اسیراً ازتاگر
بطهران آورده فاطمه خانم هم جزو اسرابوده است که در طهران مرخص گردید

شماره ۱۶ رقیه خانم

رُقیه خانم دختر میرزا محمد (عموی مبارک) و طَلان خانم (همشیره امی
مبارک) عیال میرزا یحیی ازل و اولادانش (میرزا وحید - میرزا تقی الدین
فؤاد - مُحترم خانم - مریم خانم (۱) بوده اند) مشارالیها بهمراهی میرزا یحیی

۱ - مریم خانم عیال میرزا محمد خان (پسر میرزا محمود اخوی زاده امی مبارک)
بوده است .

ص ۱۴۳

به قبرس رفته و در همانجا فوت نمود و قبرش در قبرس است -
شرح احوال نواده های رضا قلی بیک خاتمه یافت حال بشرح اولادان
میرزا بزرگ میپردازیم .

شماره ۱۷ میرزا محمد حسن

میرزا محمد حسن (فرزند میرزا بزرگ و خان ننه) برادر ارشد ابی

مبارک - ایشان مؤمن بنقطه بیان و جمال اقدس ابھی' بوده است
و در قریه مقدسه تاکر ساکن و شغلشان حشم داری و زراعت بوده
تابستان را در تاکر و فصول دیگر در دارکلا میزیسته اند و گاهگی هم
در طهران بوده‌اند ولی از درجه معلومات و اطلاعات ایشان
آثاری در دست نیست - در واقعه سنه ۱۲۶۸ هجری قمری که در تاکر
قتل و غارت و کُشت و کُشتار بود حضور داشته و صدماتی را

ص ۱۴۴

از دست میرزا ابوطالب خان (برادر عیالشان) متحمل گشته اند
جناب آمیرزا محمد حسن بی نهایت مورد عنایت و احترام جمال قدم
جَل ذکره بوده‌اند و زیارت نامه از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء
روحی لرمسه الأطهر فدا در شأن ایشان نازل گردیده است قوله الاحلی :
(طهران - تاکر - جناب آقامیرزا فضل الله سلیل شخص جلیل مرحوم
آقا میرزا حسن عمو علیهما بهاء الله الابھی'

هوآله

ای بنده آستان مقدس الحمد لله سلیل نبیل آنشخص جلیلی که از هدایت
حیات تا یوم ممات مظهر الطاف جمال قدیم بود و در جمیع موارد با شت
و مستقیم هرچند علو منزلت و سمو منقبت آن بزرگوار الی الآن مجهول
ولی عنقریب ظاهر و مشهود گردد این از سنن الهیه است که بندگان

ص ۱۴۵

مبارکش عاقبت علم برافرازند و عزت ابدیه رخ بنماید و شهیر آفاق
فرماید در دوره حضرت رسول علیه الصلوة والسلام اثمہ اطهار و خلص
احباً را علویت و قدر و منزلت مجهول بود حال ملاحظه نما که چه خبر است
قبر نوکر و غلام حضرت امیر علیه السلام بچه عزتی شهیر و آشکار شد
اما در ایام خویش نه نامی و نه نشانی و نه ذکری و نه ثنائی و همچنین خوارترین
حضرت مسیح علیه الصلوة والسلام اشخاصی ماهی گیر بودند و در زمان خویش

بی نام و حقیر حال ملاحظه کن که از افق عزت ابدیه چگونه روشن و منیر
باری زیارتی از برای آن لطیفه نوراتیه از قلم میثاق صادر و از قبل
من این زیارت را بر قبر مطهر او تلاوت نمائید .

زیارت حضرت آقامیرزا حسن الذی صعد الی الأفق الأعلى
علیک التحية والثناء و علیک طبقات النور النازلة من السماء

ص ۱۴۶

ایها المنتسب الشجرة المبارکة النابت من السدرة الرحمانیه طوبی لک
ولانتسابک الی العتبة الربانیة اشهد اذک آمنت بالرب الاعلی والنقطة
الأولی الکیونته والصمدانیة والحقیقة النورانیة العلی الأعلى روحی له
الفداء من بشر الناس بطلوع شمس البهاء فی القيامة الكبرى و بسیت بکل صدق
و صفا لما ارتفع التداء من اوج العلی شمس الحقیقه نیر الملاء الاعلی
مركز الأنوار مهبط الأسرار بهاء الأبهی روحی لأحبائه الفداء و ثبت
و نبت من شجرة طیبته و تضرعت بافنان ممشاء و تنمو بالطف
من الهالی ابد الابد علیک ثناء الله و علیک بهاء الله و علیکم
الرحمة من رب الآخرة والأولی طوبی لمن زار قبرک المطر و قلبک (؟؟)
المتور و ناجی ربّه بقلب خافق و دمع دافق فی رمسک المعطر و علیک
البهاء الأبهی محرم ۱۳۳۹ عبدالبهاء عباس

ص ۱۴۷

مدفن ایشان در حضرت عبدالعظیم در راهرو بین الحرمین - صعودشان در حدود ۱۲۸۴ هجری
قمری بوده ناگفته نماند که از زمان قدیم چون بین اهالی تا کر و اهالی بکده
اختلاف شدیدی بود لهذا جناب میرزا بزرگ صلاح در این دید که دختر میرزا
حسن خواجوی را که دختر عموی میرزا آفاخان و آنموقع لشگر یونس بود
برای پسرش آمیرزا محمد حسن بگیرد که رفع کدورت و اختلاف گردد
این دختر خواهر میرزا ابوطالب خان معروف است که قریه تا کر را غارت
و ویران نمود و بیان مبارک نیز ذیلاً نقل میشود (در میان ما و عائله

میرزا آقاخان صدراعظم از اوّل يك نقاری بود تا آنکه در زمان جناب میرزا عباس چنین مصلحت دیدند که دختر عموی میرزا آقاخان را برای میرزا حسن عمو گرفتند اگر چه این مسئله بکلی رفع آن نقارت را ننمود ولی در قبل میان دو عائله هیچ رفت و آمدی نبود حالا يك مراودت

ص ۱۴۸

ظاهری پیدا شد - فقط يك مُرافقت صوری بمیان آمد و بس

(بیان مبارک در حیفا ۱۶ فوریه ۱۹۱۶ م.)

جناب آمیرزا محمد حسن چهار زن اختیار کرده بودند که از آنها هشت اولاد داشته بشرح ذیل .

۱ - از مریم خانم يك پسر (میرزا حبیب آله)

۲ - از نبات خانم دو دختر (نیره

و شمسیه خانم شماره ۳۰)

۳ - از صبیّه میرزا حسن خواجوی (۱) که دختر عموی میرزا آقاخان

باشد يك پسر و دو دختر (میرزا غلامعلی (۲) - شهر بانو خانم شماره ۳۱

گلثوم خانم شماره ۳۲)

۱ - مرحوم نظام الممالک در یادداشتهای خود مینویسد که صبیّه میرزا حسن خواجوی ابتدا عیال میرزا آقا برادر بزرگتر میرزا محمدحسن بوده که جناب میرزا بزرگ برای او عروسی نمود مشارالیه در همان سنه بمرض کلورا(؟؟) مرحوم

ص ۱۴۹

۴ - از زهرا خاتون شماره ۳۳ (نوه فتحعلی بيك برادر رضا قلی بيك)

دو پسر (حسین آقا که در ده سالگی فوت کرده - میرزا فضل آله نظام الممالک

شماره ۳۴)

شماره ۱۸ نساء خانم

نسا خانم دختر میرزا بزرگ و خدیجه خانم (همشیره امی و ابی مبارک) حرم
میرزا مجید آهی بوده و از ایمانشان چه بنقطه بیان و چه بحضرت بهاء‌آله
اطلاعی در دست نیست ولی در واقعه رمی شاه (یکشنبه ۲۸ شهر شوال
۱۲۶۸ هجری قمری در نیاوران) که جمال مبارک از آنچه مراجعت
میفرمایند بخانه بیلاقی میرزا مجید آهی (منشی سفارت روس) واقعه در
زرگنده شمیران که قرب سفارت بوده تشریف برده مهمان همشیره بوده اند که

و در تاکر مدفون گردید و سپس جناب میرزا بزرگ آن دختر را به پسر دوم خودشان
میرزا محمد حسن میدهند .
۲ - میرزا غلامعلی بعد از عروسی در بغداد تشریف حاصل و در مراجعت بتاگر در کلندوک
مرحوم و در حضرت عبدالعظیم مدفون گشت .

ص ۱۵۰

ناگاه غلامان سفارت روس باتفاق غلامان خاصه شاهی ایشانرا دستگیر
و به نیاوران میبرند - البته آنچه که در تواریخ امر مسطور است عموم احبّا
خوانده اند ولی آنچه را که در روزنامه وقایع اتفاقیه (بقلم میرزا احسن خان
اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات) در همان ایام نوشته شده در صفحه ۱۶۴ تا ۱۶۷ درج
میگردد - نساء خانم در موقع وضع حمل فوت و جنازه اشرا ببغداد حمل مینمایند
وموقعی بوده است که جمال مبارک در بغداد تشریف داشتند حضرتشان
جنازه همشیره را در بغداد مدفون میسازند .

شماره ۱۹ میرزا مهدی

میرزا مهدی پسر میرزابزرگ و خدیجه خانم (اخوی امی و ابی مبارک)
بوده اند که قبل از سال ۱۲۶۵ هجری قمری مرحوم شده لذا بدین مناسبت
جمال مبارک اسم ایشانرا روی پسر خودشان (میرزا مهدی غصن اطهر)

نهاده اند - ایشان عیال کوچک میرزا محمد علی اخوی امّی خودشانرا بحبالهٔ نکاح درآورده و بمسافرت شیراز رفته بود که در همانجا مرحوم شد.

شمارهٔ ۲۰ ساره خانم

ساره خانم دختر میرزا بزرگ و خدیجه خانم (همشیرهٔ امّی و ابی مبارک) بودهمشارالیهها حرم میرزا محمود خالو (اخوی آسیه خانم) بوده است این خانم به اُخت مشهور بوده و الواح زیادی باعزازشان نازل و مورد عنایت بی اندازهٔ جمال مقصود بوده اند جمال مبارک در بارهٔ مشارالیهها میفرمایند (مَنْ زارالاحت والمسیح (۱) فی الری کَمَنْ زارنی) از اقتران ساره خانم و میرزا محمود خالو (دائی حضرت عبدالبهاء) یک اولاد بدنیا آمد موسوم بمیرزا اسمعیل شمارهٔ ۳۸ - قبر حضرت اُخت در بی بی زُبیده راه حضرت عبدالعظیم است - ساره خانم ازنساء خانم

۱ - شرح شماره ۱ راجع به مسیح بصفحه بعد مراجعه شود .

وجمال مبارک ومیرزا موسی بزرگتر بوده اند - این خانم محترمه بسیار مؤمنه ولی میرزا محمود خالو ایمانی نداشته است .
لوح مبارک مقابل بهترین گواه
تعلق خاطر جمال قدم نسبت
باین همشیره است .
این لوح بخط مبارک حخرت
عبدالبهاء و باعزاز حضرت
اُخت نازل گشته که

شماره ۲۱ میرزا حسینعلی

حضرت بهاء‌الله که اسم مبارکشان میرزا حسینعلی بوده (فرزند جناب میرزا بزرگ و خدیجه خانم) تاریخ پرحادثه حیاتشان را کلیه احبای الهی مستحضرنند - فضلا و دانشمندان امر و مورخین خارجی و داخلی بقدری نوشته اند که اگر بخواهم شمه ئی عرض کنم غلط محض است تولد مبارک در طهران فجر روز دوم محرم الحرام سنه ۱۲۳۳ هجری قمری مطابق ۱۲ نوامبر ۱۸۱۷ میلادی و صعود مبارکشان شب دوم ذیقعه ۱۳۰۹ هجری قمری مطابق سنه ۱۸۹۲ میلادی در سن هفتاد و هفت سالگی در قصر بهجی حول عکا بوده است حضرتشان قبل از اظهار امر سه عیال بتدریج اختیار فرمودند .

حرم اول حضرت آسیه خانم ملقبه به امّ الکائنات دختر میرزا اسمعیل وزیر بالرودی

نقل از صفحه ۱۵۱ - مسیح خواهرزاده میرزا آقاخان صدراعظم نوری و از مؤمنین اولیه بوده که در رکاب مبارک در دره گز فوت و جسدش را بطهران حمل و در راهرو بین الحرمین حضرت عبدالعظیم مدفون نمودند سنگ قبر نیز دارد .

ابن میرزا محمود بالرودی بوده که در جمادی الثانی سنه ۱۲۵۱ هجری قمری بعقد نکاح مبارک درآمدند سن حضرت بهاء‌الله در این ازدواج هیجده سال و ششماه بوده است یعنی وارد سال نوزدهم شده بودند حضرت آسیه خانم در الواح مبارکه بورقه علیا - امّ الکائنات - نوابه مذکورند و بینهایت مورد عنایات جمال قدم بوده‌اند .

از این اقتران هفت اولاد بوجود آمده است (۱ - کاظم ۲ - اسم معلوم نشده

۳ - عباس غصن آله الاعظم شماره ۴۰ ۴ - میرزا علیمحمد ۵ - فاطمه خانم
که در ظهور حضرت بهاء الله به بهائیه و ورقه مبارکه علیا نامیده شده اند
شماره ۴۱ ۶ - علیمحمد ۷ - میرزا مهدی (غصن آله الأطهر) شماره ۴۲
از اولادان آسیه خانم فقط ردیفهای ۳ و ۵ و ۷ باقی ماندند و بقیه
در کوچکی صعود کرده اند اینک رونوشت اولین قبالة ازدواج

ص ۱۵۵

جمال قدم با حضرت آسیه خانم را ذیلاً درج مینماید . .

هوالمؤلف بین القلوب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أحل النكاح والتزويج وحرم الزنا والسفاح بمحمد وآله
الطيبين الطاهرين الانجيين محل مهر مبارك
فبعد الحمد والصلوة غرض از صورت نگاری این لوحه دلگشا و مقصد کلی
از چهره آرائی اینوریکه فرح بخشا که از حُسن معنی طعنه زن خوبان
و از حروف و نُقَط رشک فرمای رخسار خوران و زیباترین عروسی که
مشاطکان فکر و اندیشه در حجال خیال بزیور کمال آراسته جمیله حمد
جمیل یگانه ایست که سُرادات حریم عزت و جلالش از نسبت خویش
و پیوند منزه و مُبراست و ستایش بی آرایش فرد بی همتا ایست که

ص ۱۵۶

شادردان قدرت لایزالش از شرکت کفو و انباز بی نیاز و مقر است
الذی لم یلد و لم یولد ولم یکن له کفواً احد مُبدعی که از تار
و پود ماده ازدواج انا خلقنا الانسان من نطفة امثاج قامت
بنی نوع انسانرا به خِلفت حُسن خِلفت آراسته تشریف لقد خلقنا
الانسان فی احسن تقویم پوشانیده منعمی که عرایس نفوس بشری را
بر سریر عَرَضهم علی الملائكة جلوه داده بر وجه اتم برتبه فسجدوا لآدم
رسانیده الله الخلق والامر تبارک الله احسن الخالقين و درود

فرخنده دُرود حضرت فرزانه ایست که بمقتضای لولاك لما خلقت
الافلاك باعث ازدواج آباء واقهات و ثباح صور موالید
ثلثه در تولد مزاج بقابله ماده و ماده قابله محتاج مادامی که قطره ابر
نیسانی در رحم صدف قرار نگیرد مریم در شاهوار تولد نیابد و تا خورشید

ص ۱۵۷

جهن نمای ازدواج سماء بصخره صّما نتابد از صلب کان گوهر غلطان
و از بدخشان لعل درخشان نزاید نباء علی هذا بمبارکی و فیروزی عقد
مناکحه شرعیّه وقوع یافته فیما بین عالیشان معلی مکان سلالة الاعیان
میرزا حسینعلی ولد عالیجاه شوکت و جلالت دستگاه مقرب الخاقان
آصف حاجی میرزا بزرگ نوری دام اجلاله و فیما بین خدارت مأب
العاقلة الباکره الرشیده المسماة به آسیه خانم بنت عالیجاه معلی
جایگاه میرزا اسمعیل نوری بصداق ثمن معین القدر پانصد تومان وجه
اشرفی کُشورستانی دانه هیجده نخودی و زناً و نه هزار دینار رواجاً بانضمام
دو نفر جاریه که قیمت ایشان پنجاه تومان وجه موصوف باشد و یکنفر غلام
که قیمت آن سی تومان وجه موصوف باشد بانضمام شش دانگ حیاط -
فتح آله خانی محدود ظهرات کلاً دین است و صیغه مناکحه جاری شد

ص ۱۵۸

اللهم ألف بینهما بحق مُحَمَّدٍ وآله فی شهر جمادی الثانی ۱۲۵۱
حرم دوّم موسوم بوده بفاطمه خانم شماره ۱۲ (ملقبه به مَهد علیا) که
دختر عمّه مبارک بوده است از این اقتران شش اولاد بوجود آمده
(۱- صمدیه خانم (۱) ۲- میرزا محمد علی ۳- میرزا ضیاءآله ۴- میرزا
علیمحمد ۵- میرزا بدیع آله ۶- ساذجه)
اولادان فاطمه خانم باستثناء میرزا علیمحمد و ساذجه بقیه در زمان حضرت
عبدالبهاء نقض عهد کرده و جزو ناقضین عهد و میثاق محسوب گشته اند و تا
آخر ایام حیات ساکت ننشسته و برعلیه حضرت عبدالبهاء اوراق نارینه بین
دوستان شرق و غرب منتشر مینمودند .

حرم سوم جمال مبارك که از اهل کاشان بوده مسماة به گوهر خانم از این

۱ - صمدیه خانم عیال میرزا مجدالدین پسر جناب میرزا موسی کلیم شد - این میرزا مجدالدین نیز محرک اصلی ناقضین بوده است . -

ص ۱۵۹

حرم فقط يك دختر بوجود آمد مسماة به فروغیة خانم (حرم آسیدعلی افنان) که هردو جزو ناقضین محسوب شدند - سید علی و پسرش سید حسین نسبت بمرکز میثاق بینهایت مخالفت نمودند .

(وقایعی که در سنین عمر مبارك رخ داده ذیلاً خلاصه میشود)

۱ - تولد مبارك در طهران فجر یوم دوّم محرم سنه ۱۲۳۳ هجری قمری در سرایه طالار حیاط باغ خانه ثی که بخریمه رفته بوده است .

۲ - در جمادی الثانی سال ۱۲۵۱ که سن مبارك ۱۹ بودهآسیه خانم ازدواج فرمودند

۳ - در سه ماهه اول سال ۱۲۵۵ که سن مبارك ۲۳ بوده والدشان صعود کرد

۴ - در پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ که سن مبارك ۲۷ بوده ظهور حضرت نقطه اولی شده .

۴ - اواخر سال ۱۲۶۴ که سن مبارك ۳۲ بوده عازم بدشت گشتند

۵ - اوایل محرم سال ۱۲۶۵ که سن مبارك ۳۳ بوده از نور بجانب قلعه طبرسی عزیمت فرمودند .

ص ۱۶۰

۷ - اوایل سال ۱۲۶۵ که سن مبارك ۳۳ بوده در شهر آمل مورد صدمه واقع گشتند

۸ - روز ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ که سن مبارك ۳۴ بوده شهادت حضرت نقطه اولی شد

۹ - در ماه شعبان سال ۱۲۶۷ که سن مبارك ۳۵ بوده بعثتات سفر و در رجب ۱۲۶۸ مراجعت فرمودند

۱۰ - اوایل ذیقعدہ سال ۱۲۶۸ که سن مبارك ۳۶ بوده حبس ۴ ماهه سیاه چال و یکماه

تا اوایل سال ۱۲۶۹ مریضی منزل مریم

۱۱ - اول ربیع الثانی سال ۱۲۶۹ که سن مبارک ۳۷ بوده از طهران ببغداد عزیمت فرمودند .

۱۲ - روز ۲۸ جمادی الثانی سال ۱۲۶۹ که سن مبارک ۳۷ بوده ببغداد ورود فرمودند
۱۳ - دوازدهم رجب سال ۱۲۷۰ که سن مبارک ۳۸ بوده بسلیمانیه تشریف برده اند
۱۴ - دوازدهم رجب سال ۱۲۷۲ که سن مبارک ۴۰ بوده از سلیمانیه مراجعت کرده اند
۱۵ - ۱۴ ذیقعدہ سال ۱۲۷۹ که سن مبارک ۴۷ بوده در بغداد اظهار امر علنی و حرکت باسلامبول

۱۶ - اول رجب سال ۱۲۸۰ که سن مبارک ۴۸ بوده بادرنه ورود فرمودند
۱۷ - (؟؟) سال ۱۲۸۲ که سن مبارک ۵۰ بوده بوسیله میرزا یحیی مسموم شدند

ص ۱۶۱

۱۸ - چهارشنبه ۲۲ ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ که سن مبارک ۵۳ بوده از ادرنه خارج گشتند

۱۹ - در ۲۲ جمادی الاول سال ۱۲۸۵ که سن مبارک ۵۳ بوده وارد عکا شدند
۲۰ - (؟؟) سال ۱۲۸۷ که سن مبارک ۵۵ بوده از قشله عکا خارج گشتند
۲۱ - در لیله دوم ذیقعدہ سال ۱۳۰۹ (۱۸۹۲ میلادی) که سن مبارک ۷۷ بوده در قصر بهجی صعود فرمودند .

حضرت آسیه خانم (امّ عبدالبهاء) صعودشان بسال ۱۳۰۳ هجری قمری در عکا بوده و حضرت ولی امرآله روحی لتربته الفداء رمس مطهر ایشانرا از قبرستان عکا و رمس مطهر حضرت میرزا مهدی (غصن آله الاطهر) را از قبرستان بنی صالح بجبل کرمل در قرب جوار مقام اعلی (در محل مراقد) انتقال دادند - و خانه پدری و محل نشو و نمای ایام جوانیشان در طهران و یالرود نور بوده است - نبیل زرنندی در تاریخ خود (صفحه ۶۳۰ تلخیص جناب اشراق خاوری) شرحی راجع بمصائب وارده بر جمال مبارک در موقع رمی شاه که روز یکشنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۸ هجری قمری در نیاوران شمیران بوده و

ص ۱۶۲

چند روز بعد جمال مبارک را در زرگنده دستگیر نمودند چنین نگاشته که خلاصه آن در اینمقام نقل میشود (..... حضرت بهاءآله

پیشنهاد جعفر قلی خان را نپذیرفته و روز دیگر سواره باردوی شاه که در نیاوران بود رفتند در بین راه بسفارت روس که در زرگنده نزدیک نیاوران بود رسید میرزا مجید منشی سفارت روس از آنحضرت مهمانی کرد و پذیرائی نمود - جمعی از خادمین و حاجی علیخان حاجب الدوله حضرت بهاءالله را شناختند و او را ازتوقف حضرت بهاءالله در منزل منشی سفارت روس آگاه ساختند حاجب الدوله فوراً مراتب را بعرض شاه رسانید روسای دربار از ورود حضرت بهاءالله بجوار اردوی شاه بهراس و تعجب افتادند و ناصرالدین شاه هم بی اندازه متعجب شد که چگونه شخص متهم باین گونه تهمت بزرگی جرات کرده

ص ۱۶۳

خود را در معرض انظار قرار دهد و فوراً مأموری فرستاد تا حضرت بهاءالله را از سفارت روس تحویل گرفته به نزد شاه آورد سفیر روس از تسلیم حضرت بهاءالله بمأمور شاه امتناع ورزید و بآنحضرت گفت که بمنزل صدراعظم بروید و کاغذی بصدراعظم نوشت که باید حضرت بهاءالله را از طرف من پذیرائی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشش کنی و اگر آسیبی به بهاءالله برسد و حادثهئی رخ دهد شخص تو مسئول سفارت روس خواهی بود - میرزا آقاخان با آنکه نسبت بحضرت بهاءالله ابراز مساعدت مینمود در این واقعه از خوف جان و بیم زوال ریاست و مقام از مساعدت خودداری نمود الی آخر)- این بود شمه که نبیل راجع بدستگیری جمال مبارک در زرگنده شمیران

ص ۱۶۴

نوشته است ولی روزنامه وقایع اتفاقیه که در همان روزها هفته یکبار چاپ میشد چنین مینویسد -
(نقل از شماره ۸۲ روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز پنجشنبه دهم ماه ذیقعده الحرام مطابق سیچقان نیل سنه ۱۲۶۸
(اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی دارالخلافة طهران)

..... آنچه از این طایفه ضالّه شقی گرفتار شدند سی و دو نفر بودند
مابقی معلوم نشد اگر هم فی الواقع رفیقی داشته اند از آنها بروز نیافت
یاحتمل بولایات بعیده فراری و متواری شده باشند از جمله یکی
از آنها میرزا حسینعلی نوری در زرگنده که جناب جلالتماب وزیر مختار دولت
بهیه روس بودند فرار کرده بود جناب معزی الیه بمحض اینکه دانستند
از این قوم ضلالت آثار است شرایط اتحاد دولتین را مرعی و منظور

ص ۱۶۵

داشته با کمال معقولیت فی الفور قدغن نموده اتباع سفارت او را
گرفته نزد اولیای دولت علیه فرستادند و سرکار اعلیحضرت پادشاهی
و اولیای دولت علیه از ظهور این نوع معقولیت ایشان کمال
رضامندی حاصل کرده جناب جلالتماب صدراعظم بفرستادگان
ایشان انعام دادند بعد مینویسد شش نفر از آنها
را که این اشخاص بودند میرزا حسین قمی که بی تقصیر نبود بجهة بعضی
سئوال و جواب او را نگهداشتند و میرزا حسینعلی نوری و میرزا سلیمانقلی (۱)
و میرزا محمود همشیره زاده او و آقا عبدالله پسر آمحمد جعفر و میرزا جواد
خراسانی چون بتحقیق معلوم نشد که یا آنها در این مفاسد و شوری
شرکت داشته باشند لهذا اعلیحضرت پادشاهی حکم بحبس آنها فرمودند

۱ - میرزا سلیمانقلی (خطیب الرحمن) نوری دائی میرزامحمود بوده و این میرزا
محمود پسر میرزا محمد علی (برادر امی مبارک) بوده است .

ص ۱۶۶

که در حبس مؤید و مخلد بمانند و بقیه آنها را علماء و فضلا بسزای
خودشان رساندند الی آخر -
روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز پنجشنبه ۱۷ ماه ذیقعدةالحرام مطابقه سال
سیچقان ثیل ۱۲۶۸

در روزنامه هفته گذشته مطابق ۸۲ مطلبی سهواً در روزنامه نوشته شده بود - از آنجائیکه بنای روزنامه نویسی بر صدق و حقیقت است لازم آمد که آن سهو اتفاقی در این روزنامه نموده شود - میرزا حسینعلی نوری که در قریه زرگنده دستگیر شده بود نوکرهای جناب وزیر مختار روس او را باردوی همیون نیاوده بودن بلکه عالیجاه میرزا مجید میرزای آن سفارت که قرابتی با میرزا حسینعلی داشت اذن از سفارت خواسته باختیار خودش باردوی همیون آمده بود که بگوید و معلوم نماید که برادرزن

ص ۱۶۷

او بی تقصیر است و نیز بنوکرهای جناب وزیر مختار که دخیل در اینکا نبودند انعام از جانب اولیای دولت علیه داده نشده - بلی - انعام دادند اما بسربازان پادشاهی زیرا وقتیکه ملا شیخعلی را قراشان پادشاهی از قریه اُوین گرفته شبانه به زرگنده آورده بودند سربازان مزبور که قراول احترامی جناب وزیر مختارند کشیک ملا شیخعلی را کشیدند و اینکه میرزا حسینعلی در قریه زرگنده دستگیر شد نه از این بابت بود که پناه باردوی سفارت دولت بهیه روسیه برده باشد بلکه از قراریکه گفته شد منزل او در خانه میرزا مجید بوده است بدیهی است که مجرم دولت وانگهی از اینگونه مقصرین و مجرمین هرگز بخیال آن نمیتواند افتاد که پناه بأردوی سفارت آندولت که با دولت علیه ایران حکم واحد دارد ببرد -

ص ۱۶۸

خلاصه این بود وقایعیکه در تاریخ نبیل و دو شماره روزنامه وقایع اتفاقیه نوشته شده است مخصوصاً اینکه تأیید گردیده که میرزا حسینعلی در این مفاسد معلوم نشده که شرکت داشته باشد بطور کلی بعد از واقعه تیراندازی بشاه و دستگیری و حبس حضرت بهاءآله در سیاه چال طهران (اوایل ماه ذیقعد ۱۲۵۸) و تصرف املاک مبارک در مازندران ناصرالدین شاه دستور مقتضی بصدراعظم داد که قشونی بتاکر

اعزام و طایفه بابی را محو و مضمحل سازند چنانچه ذیلاً ملاحظه میشود میرزا آقاخان صدر اعظم ضمن اعزام قشون فرمانی در ذیحجه ۱۲۶۸ بشرح ذیل صادر مینماید. (عالیجاهان سرکردگان طایفه خواجه وند را مرقوم میگردد که در اینوقت بعرض اولیای دولت قاهره رسید که جمعی در قریه تاکر میانرود در سلك طایفه ضاله بابی بنای شرارت و بی حسابی را گذاشته اند حکم محکم قدر توأم اقدس همایون شهریاری روح العالمین فداه شرف صدور یافت و از کسانیکه صاحب ملوکند التزام گرفته شد

ص ۱۶۹

که هریک بحسب حصه و سهم جمعیت و تفنگچی حاضر کرده و بموافقت عالیجاه فرزندی میرزا ابوطالب خان و عالیجاه حسینعلی خان که مأمور انجام این خدمتند آنها را بالتمام گرفته روانه دربار معدلت مدار شاهنشاهی دارند بآن عالیجاهان نظر بمناسبت و قرب جواری که بمحال نور دارند مرقوم میشود که اولاًهرگاه علاوه بر جمعیتیکه از نور مأمورند جمعیتی لازم باشد و عالیجاهان مشارالیهما بخواهند بدهند و دیگر آنکه اگر در حین گرفتن آنها کسی که از ایشان بمحال سکناى خواجه و بند بیایند و عبوراً فرار کنند گرفتن آنها را در عهده خود دانند و بهیچوجه غفلت را جائز نشمارند حرره فی شهر ذیحجه الحرام ۱۲۶۸ عبده آقا خان بن اسدالله محل مهر) این قشون و اهالی نور همینکه بتاکر رسیدند همه خانه ها را خراب و

ص ۱۷۰

و خانه حضرت بهاءالله را ویران و دو نفر را شهید و ۳۵ نفر را اسیر و مغلولاً بطهران آورده و بسیاه چال انداختند و بطوریکه مشروحاً ذکر شد عده از آنها شهید و بعضی ها بواسطه ضعف و ناتوانی در آن محبس مظلّم جان داده و چند نفری نیز مرخص گشتند خلاصه جمال مبارک نیز در اواخر ماه صفر ۱۲۶۹ از سیاه چال مرخص و چون برحسب دستور شاه مقرر بوده که بسمت بغداد عزیمت فرمایند

و بواسطهٔ مرض و ضعفی که در وجود مبارک مستولی و قادر بحرکت نبودند
لهذا مدت یکماه منزل مریم بستری گشتند میرزا آقا خان صدر اعظم
نیز موقع را مغتنم شمرده دوقطعه ازمراتع کوهستانی حضرتشان را
که واقع در تاکر کوه بود بعنوان خرید قباله گرفته و دیناری نپرداخت
و تاریخ این قباله که در ۲۱ ربیع الاول ۱۲۶۹ است مصادف بوده

ص ۱۷۱

با مریضی منزل مریم اینک رونوشت قباله مزبور
(الحمد لله الذی احل البیع والثری و حرم الغصب والریا و صلی آله علی محمد
و آله الانقیای انجباى و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً اما بعد باعث
برتحریر اینکلمات واضح الدلالات و غرض ازتسطیر این سطور مرضیه العبارات
و داعی برانشاء این حروف ملیه معقولات آنست که حاضر شد بدارالشرع
انور عالیجاه آمیرزا حسینعلی خلف مرحوم میرزا عباس الشهیر بمیرزا بزرگ
نوری من طایفهٔ تاکری من قراء رودبار سنفلی نور بفروخت به بیع
لازم جازع شرعیه ملیه اسلامیه همگی و تمامی کل ۶ دانگ زمستانی
و تابستانی مرتعین سفید و اش چال و لیزنک را که واقع در جبال تاکر است
و زمستانی آن عبارت ازچهل رأس باجیه گوسفندی و تابستانی آن
عبارت از ۲۰ من روغن بوزن تبریز است مع طالار قاهه و اعیانی آن

ص ۱۷۲

از علف چر و علف چین و آب خور و ممر و مدخل و گل مایتعلق بها آنچه
ملکیت را شاید و باید محدود بحدود از قرار تفصیل ذیل مرتع سفیدواش
چال که از بابت ابتیاع انتقال یافته بود باجیه گوسفندی ۲۵ رأس
روغن ۱۲/۵ من از قرار حدود حدی متصل بسامان مرتع پل زمین
حدی متصل بسامان مرتع اناریکه حدی متصل بسامان مرتع شوروک
حدی متصل بمرتع ایرنجه بن -

مرتع لیزنک که از بابت ارث انتقال یافته بود باجیه گوسفندی
۱۵ رأس و روغن ۷/۵ من از قرار حدود حدی متصل بمرتع تنگه

حدی متصل بمرتع نمدساب کلا حدی متصل بملك گندیاب حدی متصل
بمرتع میرسنک بسرکار شوکت اقتدار جناب جلالتمآب عظمت وحشمت
و جلالت دستگاه آجل اکرم افخم معتمد السلطان صدراعظم ایران

ص ۱۷۳

میرزا آقاخان دام اقباله العالی بمبلغ دویست وچهل و نه تومان وجه
تبریزی رایج الحال بمبايعه صحیحه شرعیه ملیه مشتمل بر ایجاب و قبول
وصیغه مبایعه بالعربییه و الفارسیه علی نهج الشرع الشریف الأنور
واقع و جاری گردید و ثانی مال مصالحه شرعیه اسلامیه نمود بایع
مذکور با مشتری معزی الیه هر حقی و نصیبی که او را بود در مراتع مزبور
سیماغبن و غبن و غبن فاحش بل افحش را مال المصالحه مبلغ تکیومان
وجه تبریزی را و صیغه مصالحه بالعربییه و الفارسیه علی نهج الشرع الشریف
واقع گردید و قبض ثمن و اقباض مثن در موطن عقد نمودند و مشتری
راست تصرف در املاک مذکوره و کال ذلك فی ۲۱ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۹
محل مهر میرزا آقاخان صدراعظم محل مهر مبارک (حسینعلی)
عالیجاه بایع طالع مصالح حضوراً در دیوانخانه علیّه بمراتب محرره و صریحاً
اجرای عقد

ص ۱۷۴

و اخذ نقد اعتراف نمود)
غیر از مهر مبارک و میرزا آقا خان صدراعظم ۴۶ مهر دیگر بعنوان شهود
متن قباله است که امهار بعضی از برادران و بستگان مبارک و همچنین
مهر محمودخان کلانتر و مأمورین زندان و میرغضبها و غیره دیده میشود .

شماره ۲۲ میرزا موسی

میرزا موسی ملقب بکلیم پسر جناب میرزا بزرگ و خدیجه خانم (اخوی
امی و اَبی مبارک) باخوی خودشان حضرت بهاءالله و حضرن نقطه اولی

ایمان و ارادت خاصی داشته و در بلایای وارده برادر شریک و سهیم بوده اند و حضرت عبدالبهاء شرح حال ایشانرا در صفحه ۱۳۵ تذکرةالوفاء چنین میفرماید :

حضرت کلیم یعنی جناب آقا میرزا موسی

هوآله حضرت کلیم یعنی جناب آقا میرزا موسی علیه بهاءآله

ص ۱۷۵

برادر حقیقی جمال مبارک بود لهذا از سن طفولیت در آغوش تربیت جمال قدم اسم اعظم نشو و نما نمود و محبت الهیه با شیر ممتزج شد یعنی در شیرخوارگی تعلق غریبی بجمال مبارک داشت همیشه مورد عنایت بود و مظهر الطاف حضرت احدیت بعد از وفات حضرت والدشان در پناه مبارک تربیت شد و در ظل عنایت نشو و نما نمود تا بدرجه بلوغ رسید روز بروز بر عبودیت افزود و در جمیع موارد امتثال اوامر مینمود از فکر دنیا بکلی فارغ بود و مانند سراج بازغ در آن خاندان می افروخت ابداً در فکر مناصب نیفتاد و دل بستگی بمقاصد نداشت نهایت آمال و آرزویش خدمت جمال مبارک بود این بود که بهیچوجه از حضور انفکاک نیافت هر قدر که سایرین جفا نمودند او وفا کرد و از باده صفا سرمست بود تا آنکه ندا از شیراز بلند شد به بیانی از فم

ص ۱۷۶

مطهر قلبش منور گردید و بنفحه از گلشن هدایت مشامش معطر شد و بخدمت یاران و عبودیت دوستان پرداخت تعلق غریبی بمن داشت و آتی از عبدالبهاء فراغت نداشت در طهران شب و روز بترویج مشغول بود و بتدریج معروف گل گردید و دائماً با نفوس مبارکه مألوف بود تا آنکه جمال مبارک از طهران رو بعراق حرکت فرمودند از میان اخوان در رکاب مبارک او و آقا میرزا محمد قلی حرکت کردند از ایران و ایرانیان گذشتند و از راحت و آسایش خویش چشم پوشیدند و هر بلائی را بجان و دل در ره جانان پسندیدند

تا آنکه بعراق رسیدند در ایام غیبوت مبارک یعنی سفر بکردستان حضرت کلیم در ورطه خوف و بیم بود یعنی همواره جانش در خطر و هر روز از روز دیگر بتر بود ولی صبر و تحمل مینمود خوف و هراسی نداشت

ص ۱۷۷

تا آنکه جمال مبارک از کردستان مراجعت فرمودند بر منوال سابق همیشه در آستان حاضر بود و بقدر وسع در خدمت میکوشید چنانچه شهره آفاق گشت و در وقت حرکت موکب مبارک از دارالسلام باسلامبول در معیت مبارک حرکت نمود و خدمت میفرمود و همچنین از اسلامبول بأدرنه و در زمان سکون در ادرنه رائه خلف از میرزا یحیی استشمام کرد شب و روز نصیحت مینمود و دلالت میفرمود ولی تأثیری نداشت بلکه وساوس سید محمد مانند سم مهلك تأثیری عجیب داشت عاقبت حضرت کلیم مأیوس شد و با وجود این آرام نداشت که شاید این غبار را بنشانند و شخص معهود را از این ورطه مهلك برهاند و از شدت غموم و هموم در آتش تأسف میگذاخت و بهر آهنگی مینواخت عاقبت ملاحظه کرد که (نکته رمز سنائی پیش نادانان چنان پیش کر بربط سر او پیش کور آئینه دار) چون نومید شد کناره گرفت گفت ای برادر اگر دیگران پی بحقائق نبرند امر در پیش من و تو مشتبه نیست آن الطاف جمال مبارک را فراموش نمودی که من و تو هردو را تربیت مینمودند چقدر مواظب درس و مشق توبودند شب و روز املاء و انشاء تعلیم میدادند و هر دم بخطوط متعدده تشویق میفرمودند حتی نایامل مبارکه تعلیم مشق میدادند جمیع خلق میدانند که بچه درجه مورد الطاف بودی و چگونه تو را در آغوش عنایت تربیت فرمودند این شکرانه آن الطاف است که با سید محمد همداستان شوی و از ظل مبارک خارج گردی اینست شرط وفا اینست پاس نعمت بی منتهی ابدأ تأثیری نداشت بلکه روز بروز شخص معهود ضمیر خویش را آشکار مینمود تا آنکه جدائی حاصل گشت -

باری حضرت کلیم از ارض سر در رکاب مبارک بقلعه عکا شتافت
و در فرمان سلطانی نام او نیز بنفی ابدی منصوص بود و در سجن اعظم
ایام خویش را بخدمات جمال مبارک محصور مینمود و شب و روز بشرف
لقا فائز و بآلفت با یاران مألوف تا آنکه از این جهان خاک رو
بعالم پاک شتافت و در نهایت تبتل و تضرع و ابتهال صعود فرمود
.....باری فی الحقیقه جمال مبارک را برادر حقیقی بود
این بود که در جمیع موارد استقامت نمود علیه التّحیة و الثّناء و
علیه الرّوح و البهآء و علیه الرّحمة و اللطاف .
جناب کلیم دو عیال اختیار کردند که اولادانشان عبارت بودند
از (۱ - میرزا کمال الدین ۲ - میرزا علیرضا ۳ - میرزا جمال الدین
۴ - میرزا جمیل ۵ - میرزا مجدالدین ۶ - لقائیه خانم (که عیال میرزا محمدعلی

ناقض اکبر بوده) ۷ - میرزا جلال ۸ - میرزا فواد) -
میرزا مجدالدین که در ایام سلیمانیه در بغداد متولد شده بسیار
مرد شیطان و بطور کلی اوهم محرک ناقضین بر میثاق بوده است .

شماره ۲۳ میرزا تقی پریشان

میرزا تقی پریشان پسر جناب میرزا بزرگ و کلثوم خانم (اخوی ابی مبارک)
خطش بسیار خوب و از لحاظ عقیده شیخی بوده است - فوت او اوایل
ظهور حضرت نقطه اولی روح ماسواه فدا در سن ۳۸ سالگی بوده - از لحاظ امر
اهمیتی نداشته ولی بمناسبتی مجبور شد شمه از ایشان ذکر شود - شغل ایشان
تجارت سنگهای قیمتی (جواهرات) بوده و در سنین عمر خود نیز عیال اختیار نکرده
است حاجی میرزا آقاسی که بعد از مرحوم قائم مقام فراهانی صدراعظم ایران شد در
اوایل با اینکه با مرحوم میرزا بزرگ میانه خوشی نداشت مع الوصف با جمال مبارک

سابقه خوبی داشته و ایشانرا نورچشم خطاب میکرد - و چون حاجی میرزا آقاسی در اطراف ایران بخصوص در مجاورت طهران املاک زیاد داشت شاید محبت او بیشتر از لحاظ تصرف و یا خرید قریه قوچ حصار بوده باشد - نبیل میگوید (صدراعظم بعد ازوفات جناب وزیر نیز نهایت احترام را در باره حضرت بهاءالله مجری میداشت اغلب بدیدن ایشان میرفت و همچون پدری که به پسرش محبت داشته باشد با ایشان رفتار میکرد - یکوقت اتفاق افتاد که صدراعظم در ضمن سیر و سیاحت گذارش بقریه قوچ حصار افتاد این قریه از حضرت بهاءالله بود آب زیادی داشت و هوای خوبی داشت صدراعظم فریفته آن قریه شد از حضرت بهاءالله درخواست کرد که آن قریه را باو بفروشند فرمودند اگر این ده

مال خودم بود هیچ اهمیت نداشت آنرا بشما میدادم زیرا من بدنای فانی دلبستگی ندارم تمام دنیا در نظر من پست و بیمقدار است تا چه رسد باین قریه ولی جمعی ازنفوس وضع و شریف با من شریکند بعضی از آنها بالغند و بعضی صغیر شما خوبست بروید با آنها مذاکره کنید رضایت آنها را جلب کنید اگر قبول کردند مطابق میل شما رفتار میشود - صدراعظم از این جواب خوشش نیامد و در فکر حيله و نیرنگ افتاد که آن قریه را مالک شود)

حاجی میرزا آقاسی بمحمودخان کلانتر در اینخصوص دستور لازم داده و او که رئیس شهربانی وقت (کلانتر طهران) بود ازورثه مرحوم میرزا بزرگ التزام نامه ئی اخذ میکند که حق فروش ملک قوچ حصار را بدون اجازه محمود خان کلانتر بکسی نداشته باشند و تعهدی که کتباً میرزا تقی و آمیرزا رضاقلی

سپرده اند ذیلاً درج میشود که خوانندگان بمقصد و نیت حاجی میرزا آقاسی

پی ببرند (اقل خلیفه محمد تقی نوری ولد مرحوم میرزا بزرگ بصیغه پدر
 برخوردارم لازم کردم که بدون اذن سرکار خدایگانی عالیجاه مقرب الخاقان
 محمود خان کلانتر در ده سهم از بیست و چهار سهم قریه قوچ حصار بای وجه
 کان بمصالحه و مبیعه و غیره ننمایم بتاریخ غره شهر ذیحجه سنه ۱۲۶۳
 عده محمد تقی) - در متن این تعهد نامه آمیرزا رضا قلی مرقوم میدارد
 (از قراریکه اخوی میرزا تقی نوشته است خدایگانی خان کلانتر
 مختار مییاشد - رضا قلی ابن عباس) - مادرشان کلثوم خانم در متن
 همین تعهد نامه مینویسد (تقی مختار و وکیل است - مهر کنیز حضرت
 خیرالنساء بَوَدکلثوم) -
 ولی چون سه دانگ قریه قوچ حصار متعلق بمرحوم میرزا بزرگ بوده

ص ۱۸۴

و مرحوم ملا محمد تقی علامه نوری وصی آن مرحوم قبلاً در مقابل هفتصد
 تومان بدهی ایشان بجمال مبارک و اگذار که دین مزبور را بپردازند
 ولی حاجی میرزا آقاسی خیال میکرده که ورثه مرحوم میرزا بزرگ از
 این قریه ذیسه هم هستند این بود که وسیله محمود خان کلانتر التزام
 از میرزا تقی و میرزا رضاقلی و مادرشان میگردد - باری همینکه جمال مبارک
 از نیت صدراعظم مسبوق میشوند سهام دو نفر برادرزاه های امی
 خودشان را که (میرزا محمود و میرزا باقر پسران میرزا محمد علی) باشند
 در تاریخ دهم شهرجمادی الاخری سنه ۱۲۶۴ که چهار سهم از دوازده سهم
 از یکدانگ و نیم مشاع از ۶ دانگ قوچ حصار بوده باشد خریداری
 میفرمایند و در همان اوان با اجازه سایر شرکاء آن قریه را
 بخواهر محمد شاه که مدتتها طالب آن قریه بود فروختند حاجی میرزا آقاسی

ص ۱۸۵

در اینمورد تیرش بسنگ خورده گاهگاهی بهانه تراشی مینمود
 میرزا تقی قبل از سال ۱۲۶۸ هجری قمری فوت کرده قبرش با آمیرزا رضاقلی
 و مادرشان کلثوم خانم در نجف اشف در مقبره نوریهاست .

شاه سلطان خانم دختر میرزا بزرگ و کلثوم خانم (خواهر ابی مبارک) که همگی در فامیل او را خانم بزرگ یا حاج عمّه خانم میگفتند ازلی بوده و بازل ایمان و اعتقاد قریبی داشته است و ازلیها او را بنام (عزیزه) خطاب مینمایند و میگویند او مؤلف کتاب تنبیه النائمین است در صورتیکه ایشان فقط سواد جزئی داشته و کتاب تنبیه النائمین که رویه و باو نسبت داده اند بقلم میرزا احمد امین الأطباء رشتی است (لوح عمّه که حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فدا بعنوان یا عمّتی الحنونه

ص ۱۸۶

خطاب و نصیحت میفرمایند مختص باوست - شوهر اختیار نکرده قبرش در امامزاده معصوم است - وفات او بسال ۱۳۲۲ هجری در سن ۹۵ سالگی در طهران بوده و سبب شد که نامزد حضرت عبدالبهاء (شهربانو شماره ۳۱) بمیرزا علیخان پسر میرزا آقاخان صدراعظم وصلت کرد و برای اطلاع بیشتر بصفحه ۲۱۰ تا ۲۱۶ مراجعه شود . جمال مبارک در صفحه ۱۰۱ اشراقات میفرمایند (..... یکی از منتیلبن آلدی سّمی بمحمد قبل حسن باین ارض آمد و در مراجعت حامل هفتاد لوح بود از برای عبادالله بعد از ورود ارض طا حبسش نمودند و بعد او را بقریه معلومه (۱) فرستادند و در آن محل صعود نمود و آن الواح را یکی از نساء آن ارض سرقت نمود نزد اخت که در ارض طاء ساکن است فرستاد دیگر حق عالم است که آنها را چه کرده (۱) - مقصود تاکراست)

ص ۱۸۷

باسم خود یا باسم میرزا یحیی بمردم داده لعمرالله او با ما نبوده و از این امر آگاه نه - خطای بزرگی از او ظاهر و آن اینکه ورقه (۱) که از دوست بوده و باو منسوب لأجل عزت ظاهره دنیا بخانه دشمن

فرستاد و بعد اعراض نمود و بغير تمسك جست - حرکات او نزد اکثری معلوم و واضح است - از قرائت لوحی عاجز و ليك بر او هام متوهمين بشأنی افزود که غير حق را بر آن عالم نه - اته يسمع و يری و هو السميع البصير او با ما نبوده و مطلع نه در محل دیگر بوده‌اند باری از عمل خود مأیوس شد و بغير توجه نمود سبحان الله شصت سال از عمرش میگذرد و الی حین فائز نشد بآنچه سزاوار است خب دنیا و جاه او را بر عملی داشت که زفرات مقربین مرتفع و عبرات مخلصین

۱ - ورقه که از دوست بوده مقصود شهربانو خانم است -

ص ۱۸۸

نازل از قرار مذکور در تفحص کتاب ایقان هم بوده که بدست بیاورد دیگر معلوم نه که در آن چه تدبیر نموده و چه اراده کرده نسئل الله ان یؤیدها علی الرجوع و علی الانابة والخضوع اته هو التواب الغفور الرحيم وهو القیاض الفضال العزیز الکریم) وهمچنین در لوح منیعی که باعزاز جناب ورقاء شهید نازل گشته چنین میفرمایند (..... قوله تبارك و تعالی یا ورقا یا ایها الناظر الی افقی والقائم لدی باب عظمتی والناطق بثنائی ان الفضل كله بيد الله ربك رب العرش العظيم اته يجعل العبادا عليهم اسفلهم واسفلهم اعليهم اته هو المقتدر القدير در آنچه واقع شده نظر کن و تفکر نما اخت اینمظلوم فرسنگها از حق بعید مانده و أمه مذکوره بشرف قرب و وصال فائز بلی علم لانساب بینکم مرتفع و رایة یوم یقر المرء بر اعلی مقام عالم منصوب این خواهر با ما نبوده و یحیی را در اینامر ندیده نظر بحب دنیا و انتساب بصاحبان عزت و

ص ۱۸۹

غنا از مظلوم گذشت و بظالم پیوست و بسبب این خیانت کبری باعداء منضم و نبت (؟؟) و حال بنار بغضا مشتعل بمکری ظاهر شده که عالماز آن متحیر ابدأ از این امر آگاه نه و لکن از بعضی از مظاهر ابلیس تلبیهای (؟؟) لاتحصی اخذ نموده بشقاوت

کبری ظاهر شده و بر ضَرّ مظلوم قیام کرده از قبل مظلوم ورقه جدیده را تکبیر برسان و بتجلیات انوار آفتاب حقیقت مسرورش دار طوبی لها ولمن عرفها و علمها و اهدیها الی صراط آله رب الارض و آسماء و مالک الآخرة والاولی انتهى) مشارالیهما تقریباً ۵ الی ۶ سال از جمال مبارک بزرگتر بوده .

شماره ۲۵ فاطمه سلطان خانم

فاطمه سلطان خانم دختر میرزا بزرگ و کلثوم خانم (خواهر ابی مبارک) از تمام اولادان میرزا بزرگ کوچکتر بوده است مشارالیهما عیال میرزا محمود نمدساب پسر میرزا محمد علی (اخوی امی مبارک) که شرح حال او در صفحه ۱۰۸ درج گردیده بوده است - این زن و شوهر هردو متمایل بازل بوده و از اقتران آنها ۵ اولاد بوجود آمد :

ص ۱۹۰

- ۱ - زمزم خانم عیال میرزا عبدالباقی شریف فرزند شیخ جعفر نراقی
- ۲ - ابراهیم خان ۳ - فخریه خانم عیال میرزا محمد هادی (ابقه)
- پسر میرزا یحیی ۴ - میرزا محمد خان داماد میرزا یحیی (مریم دختر میرزا یحیی عیال ایشان بوده) ۵ - حمیده خانم که عیال مرحوم میرزا فضل آله نظام الممالک شماره ۳۴ گردید .
- قبر فاطمه سلطان خانم در امامزاده معصوم است .

شماره ۲۶ میرزا رضا قلی

میرزا رضا قلی پسر میرزا بزرگ و کلثوم خانم (اخوی ابی مبارک) نه بنقطه بیان و نه بجمال قدم مؤمن نبوده چنانچه معلوم است در انظار از نسبت بجمال مبارک هم استیحا ش داشته ولی غرضی هم نداشته است جمال مبارک پس از استخلاص از سیاه چال مدت یکماه منزل ایشان

بستری و بیمار بودند - آمیرزا رضاقلی اینقسم که معلوم است شغلشان طبابت و چون بمکه هم رفته بود بهمین مناسبت ایشانرا حاجی میرزا رضاقلی حکیم میگفتند - حاج مذکور دو عیال اختیار کردند اول مریم که ملقبه بورقه الحمراء بوده دوم قمر خانم دختر میرزا عبدالله خان ازمریم يك اولاد داشتند مسماة به زهرا (ملقبه به ثمره) شماره ۳۵ از قمرخانم دو اولاد داشتند (۱- کلثوم خانم شماره ۳۶ ۲ - میرزا تقی حکمی شماره ۳۷)

قبر آمیرزا رضا قلی همانقسمی که قبلاً ذکر شده باتفاق برادر و مادر (کلثوم خانم (۱) در نجف مقبره نوریهاست .

۱ - کلثوم خانم از طایفه ویک بوده بدینمعنی که یکی از دهات بزرگ ییلاقی نور مسقط الرأس اسفندیاریها و باسم یوش معروف است و یکی از طوائف یوش را ویلکيه گویند - در ۱۵ کیلومتری غربی تاکر نیز قصبه ئی است معروف به بلده که مسقط الرأس میرزا آقاجان صدراعظم نوری و اجداد و بستگان او بوده و اهالی چون از طایفه خواجه هستند آنها را یا خواجه نوری و یاخواجوی مینامند - در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی تاکر قصبه دیگری است بنام یالرود که مسقط الرأس طایفه بهزادی است .

شماره ۲۷ میرزامحمد قلی

میرزا محمد قلی کوچکترین پسران میرزا بزرگ و مادرش ترکمانیه بوده است نسبت بجمال مبارك (اخویشان) ایمان کامل داشته و بسیار مخلص و در مصائب و نفی و سرگونی برادر شریک بوده است - در زمان حیاة دوعیال اختیار کرد اول خانم جان شماره ۱۰ که دختر عمه خودشان بوده و اولادان او (میرزا ذکرااله - میرزا عبدالرؤف - لقاآیه خانم قدسیه خانم عیال حسن افندی (نوه جمال مبارك از حرم کاشانی) دوم زن بغدادیه اولادانش (کامل افندی - میرزا وحید